

زنان در ایران باستان

از سخنرانی زنده یاد کورش آریامنش در جشنواره سیدنی (استرالیا)

ب - زن در وزیری

بدبختانه دو تازش بزرگ و خردکننده: نخست اسکندر و سپس تازیان به ویژه، همه دستمایه و نشانه ها و مانده‌های کشور ما را به نابودی کشاندند و در آتش سوزاندند و به آب دادند. از این رو کمتر یادمانهایی از گذشته به ویژه از زمان ماد و اشکانیان به جای مانده است که بتوان بر آنها تکیه نمود. ولی از آنچه که از گوشه و کنار بازمانده و به گونه پراکنده به دست رسیده است، نشان میدهد که زن ایرانی به والاترین پایه های گرداندگی کشور دست یافته و با پشتکار ستودنی و کاردانی به انجام کارها پرداخته است.

«**آرتادخت**» از زنانی است که وزیر دارایی «اردوان چهارم اشکانی» میشود و بی آنکه فشاری بر مردم بیاورد و باج و خراج را افزون نماید، کشور را به توانگری میرساند. چنانچه برآمده است، از کارهای بزرگ او در گردآوری دارایی کشور، یکی جلوگیری از هزینه های بیهوده به ویژه درباریان و دیگری گرفتن باج و خراج از درآمد توانگران بوده است.

پ - زن در سرداری و فرماندهی

زنان در هنر تیراندازی، اسب سواری، جنگاوری، نبرد فراوان آموزش میدیدند، به گونه ای که گاه کارکشتگی و بیباکیشان بدانجا میرسید که پوشاک فرماندهی و سرداری بر تن میکردند و به سپهسالاری و رهبری برگزیده میشدند. زنانی که در این راه بسیار درخشیده و شکوهمندانه نامی از خود بر جای نهاده اند، کم نیستند. اینان نه تنها به شکار و تیراندازی میرفتند و گوی پیش بودن را از بسیاری از مردان می ربودند که همراه مردان در میدانهای جنگ، شاهکارهایی می آفریدند که مایه شگفتی و انگشت به دندان گرفتن مردان میشد. از این رو با شایستگی نشان دادن، خود به فرماندهی میرسیدند و همچون سرداران بی پروا، در رده جلوی سپاه، پرچم به دست میگرفتند و جنگها را رهبری میکردند.

«**آرتمیس**» یا **آرتمیز** در چم راست گفتار بزرگ، فرمانده بزرگ نیروی دریایی خشایارشا در جنگ یونانیان بود که با خردمندی و کارآمدی بی همتایی، کشتیهای جنگی دیو پیکر را رهبری کرد و با فرماندهی درست بایسته خویش، سپاه یونان را در هم شکست. این زن فرمانده از رایزنان جنگی خشایارشا نیز بود.

از سرداران سرشناس و بی پروا و کارآمد و برازنده دیگر، «**گردیه**» خواهر بهرام چوبین است که در دلآوری و جنگاوری بلندآوازه میباشد. او پس از برادرش، فرماندهی را به دست میگیرد و در میدانهای نبرد، آنچنان بیباکی و شایستگی از خود نشان میدهد که همگان را به ستایش وامیدارد. او در رده سپهسالاری سپاه برادر در جنگ تن به تن با «**تور**» فرمانده نیروی خاغان چین، او را شکست میدهد و سپاهش را تار و مار میکند.

فردوسی در این باره چنین میسراید:

همه لشکر چین بر هم شکست
بسی کشت و افکند و چندی به خست
سراسر همه دشت شد رود خون
یکی بی سر و دیگری سرنگون
چو پیروز شد سوی ایران کشید
بر شهریار دلیران کشید
به روز چهارم به آموی شد
ندیدی زنی کو جهانجوی شد

استاد سخن از زبان سربازان «گردیه» که با شگفتی از دلاوریهایش، او را ستودند، میسراید:

نه جنباندت کوه آهن ز جای
یلان را به مردی تویی رهنمای
ز مرد خردمند بیدارتر
ز دستور داننده هشیارتر
همه کهترانیم و فرمان تراست
بدین آرزو رای و پیمان تراست

«گرد آفرید» زن جنگاور برجسته دیگری است که با سهراب پسر رستم، دست و پنجه نرم میکند و سپاهیان را به شگفتی وامیدارد. فردوسی از زبان سهراب هم آورد «گردیه» چنین میسراید:

بدانست سهراب که دختر است
سر موی او ار در افسر است
شگفت آمدش گفت از ایران سپاه
چنین دختر آید به آوردگاه
سواران جنگی به روز نبرد
همانا به ایران درآند گرد
زنانشان چنینند ز ایرانیان
چگونه اند گردان و جنگ آوران

« بانو گشنسب » دختر رستم و همسر « گیو » نیز از زنان بیباک و رزمجویی بود که در شاهنامه فردوسی فراوان از او یاد شده است. چنین آمده است که او به اندازه ای زورمند و دلیر بود که کمتر مردی توانایی رویارویی با او را داشته است.

« زربانو » دختر دیگر رستم میباشد که از سواران تیرانداز و جنگجو به شمار می آمده و با رزم دلاورانه خود زال، آذربرزین و تخواره را از زندان آزاد کرده است.

نام سرداران و جنگاوران زنی که از زمان مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان به جا مانده اند ولی شوربختانه از کارهایشان هنوز آگاهی چندانی در دست نیست، چنینند (امید آن است که با بررسیهای گسترده پیرامون آنها، بتوان به چگونگی فرماندهیشان بیشتر آشنا شد):

- « آپاما » دختر « سپیتمن » که خود از سرداران زمان هخامنشیان بود. چم این واژه گیرا، خوش آب و رنگ و زیبا میباشد.
- « آذرنوش » در چم پرفروغ آتشین هم از شاهدختهای هخامنشی و هم سردار سپاه.
- « آرتونیس » در چم راست و درست، دختر «ارته باز» که او خود نیز سردار بزرگ داریوش بزرگ بود.
- « آریاتس » در چم آریایی پاک و درست از سرداران هخامنشی.
- « آسپاسیا » در چم گرد، یل، دلیر و نیرومند، همسر کورش دوم که از سرداران او نیز بود.
- « آمسترس » در چم هم اندیش و پشتیبان و یار، دختر داریوش دوم که پا به پای پدر در نبردها میجنگید.
- « ابردخت » در چم دختر نیرومند و توانا و برتر، از سرداران ساسانی.
- « استاتیرا » در چم آفریده ایزد تیر و اختران، دختر داریوش سوم هخامنشی.
- « بُرز آفرید » در چم آفریده شکوه و والایی، از سرداران ساسانی.
- « برزین دخت » در چم دختر آتشین و پرفروغ، از سرداران ساسانی.
- « پریساتیس » در چم فرشته و زیبا، همسر داریوش دوم که پا به پای همسر و دختر به جنگها میرفت و پیکار میکرد.
- « داناک » در چم باهوش و خردمند و فرزانه، از سرداران هخامنشی.
- « سی سی کام » در چم کامروا و پیروز، مادر داریوش سوم که هیچگاه در برابر اسکندر به زانو درنیامد و همچنان جنگ را دنبال نمود.
- « سورا » در چم گلگون رخ، دختر اردوان پنجم اشکانی.

- «**گلویه**» از سرداران و جنگجویان ساسانی.
- «**ماه آذر**» از سرداران ساسانی.
- «**مهر مس**» در چم مهر بزرگ، خورشید درخشان، از سرداران هخامنشی.
- «**مهر یار**» از سرداران ساسانی.
- «**میترا دخت**» در چم دختر مهر، دختر خورشید، از سرداران اشکانی.
- «**نگان**» در چم کامروا و پیروزمند، از سرداران ساسانی که با تازیان دلاورانه جنگید و دلیرها بسیار شکوهمندانه از خود نشان داد.
- «**ورزا**» در چم نیرومند و توانا، سرداری از هخامنشیان.
- «**وهومسه**» در چم والاتبار و نیکزاده بزرگ، از سرداران هخامنشی.
- «**هومى یاستر**» در چم دوست و هم پیمان و پشتیبان، از سرداران هخامنشی.
- «**یوتاب**» در چم درخشنده و بیمانند، خواسته و پرفروغ، خواهر «آریوبرزن» سردار بیباک و دلیر داریوش سوم در جنگ با اسکندر. یوتاب فرماندهی بخشی از سپاهیان برادر را داشت که در کوههای بختیاری راه را بر اسکندر بست و اگر یک روستایی، راهی دیگر را به اسکندر نشان میداد تا از آن جا شبیخون بزند، شکست خورده و سپاهیانش تار و مار شده بودند. یوتاب همراه برادر آن اندازه جنگید تا هر دو کشته شدند و نامی جاوید از خود به جای گذاشتند